

نام و نام خانوادگی:

سجاد کریمی پاشاکی

کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی

و مشاور مرکز مطالعات و تحقیقات سپاه استان گیلان

عنوان مقاله:

منافع ملی ایران در نامگذاری مناسب؛ خزر، مازندران، کاسپین؟!

آدرس:

رشت، شهرک قدس، ۲۰ متری اول، پلاک ۳۱

تلفن :

۰۱۳۱-۴۲۴۰۱۰۵

همراه:

۰۹۱۱۳۱۱۴۶۴

Email: sajadkarimipashaki@yahoo.com

منافع ملی ایران در نامگذاری مناسب؛ خزر، مازندران، کاسپین؟!
*سجاد کریمی پاشاکی کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی و مشاور مرکز مطالعات و تحقیقات سپاه
گیلان

چکیده :

از آنجائیکه دریای شمال ایران منطقه ای استراتژیک و سرشار از انرژی است، نامگذاری صحیح این دریا می تواند در تامین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران موثر واقع گردد. علاوه بر این، حضور اسرائیل در منطقه مساله نامگذاری دریای مذکور را بغرنج تر ساخته است. از لحاظ ژئوپلیتیکی استفاده از سه نام خزر، مازندران و کاسپین پیامدهای خاصی را به دنبال خواهد داشت و هر یک تاثیر متفاوتی بر منافع ملی ایران خواهد گذاشت. از این رو، در مقاله حاضر اسامی فوق را با توجه به منافع ملی جمهوری اسلامی ایران توضیح داده و بخصوص تهدیدات ناشی از رایج ترین نام (خزر) را متذکر خواهیم شد.

واژگان کلیدی: منافع ملی، ژئوپلیتیک، استراتژی، خزر، مازندران، کاسپین

امروزه نامگذاری مناطق بر گرفته از مسایل بومی، کشوری و حساسیت های جهانی می باشد. همواره عناوین مکانها نقش تعیین کننده ای در قلمرو و قلمرو خواهی و به تبع استفاده از منابع و بهره برداری های ژئوپلیتیکی دارد. این موضوع اهمیت بسیاری می یابد بخصوص اگر منطقه مذکور دارای اهمیت ها و حساسیتهای سیاسی، اقتصادی و یا فرهنگی باشد.

دریای شمال ایران با نامهای متفاوتی در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی خوانده می شود که هر یک از این نامها تبعات بخصوص خود را بدنبال دارد. حفظ منافع جمهوری اسلامی در این نامگذاری و جلوگیری از بوجود آمدن مشکلات ناشی از بکار بردن نام نادرست، می تواند به پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی در منطقه و تحکیم جایگاه ایران کمک شایانی نماید. همچنین زمانسنجی و مکانسنجی در این رابطه و دقت در بکار بری نامی پویا که ریشه در فرهنگ و رسوم ایران داشته و دارد و همچنین مورد پذیرش بودن نام انتخابی در سطح بین المللی عرصه را بر سوء استفاده گران تنگ و موقعیت را برای احقاق حقوق مسلم ایران فراهم می نماید.

اهمیت موضوع

سالهای مدیدی است که برخلاف منافع ملی ایران، خزر یا مازندران به جای کاسپین مصطلح است. از آنجائیکه این دریا یکی از مناطق مهم انرژی جهان است که تامین کننده نفت و گاز بخشی از جهان در سالهای نه چندان دور خواهد بود. در این راستا، اشتراک و تضاد منافع ملی ایران با کشور های منطقه و فرا منطقه ای در این حوزه امری غیر قابل انکار خواهد بود.

وجود منابع عظیم انرژی اعم از نفت و گاز و همچنین وجود سایر منابع معدنی و آلی شناخته شده و نشده بر کسی پوشیده نیست. قدر سهم ایران از این مجموعه غیر از مواضع اقتدار گرایانه و سیاسی موجود در روابط بین الملل از مسایل فرهنگی نیز ناشی می شود و نامگذاری این دریا نکته ای مهم از لحاظ فرهنگی است که چگونگی آن تبعات سیاسی و حتی امنیتی بدنبال خواهد داشت. غیر از سهم خواهی ایران از منابع موجود حضور نیرو های بیگانه در منطقه و اهداف مشکوک آنان می تواند مسئله نامگذاری را پیچیده تر نماید. هدف از این تحقیق بررسی نامهای متداول، خزر، مازندران و کاسپین بوده و همچنین بررسی حضور اسرائیل در منطقه و ارتباط آن با اهمیت این نامگذاری می باشد.

با نگاهی به تاریخ ایران نامهای گوناگون و متفاوتی برای این دریا می توان یافت در بررسی نامهای متداول دریا بیش از ۶۰ نام برای این دریا شناسایی شده است که می توان به کاسپین - هیرکانیه - باب الابواب - گیلان - دیلم - طبرستان - قزوین - گرگان - مازندران - خزر و... اشاره کرد. در این مقاله به ۳ نام متداول امروزی دریا یعنی خزر - مازندران و کاسپین پرداخته و آنها را مورد تحقیق قرار می دهیم.

ریشه های تاریخی خزر(سرزمین و کیش)

با توجه به اینکه امروزه خزر نامی متداول شناخته شده اما متداول بودن دلیل بر صحیح و منطقی بودن نامگذاری نمی باشد. امروزه نام خزر نام ساده ای نیست که فقط برای عنوان دریا استفاده شود با تحقیقی ساده می توان به پیشینه خزر که برگرفته از اقوام خزر بوده و وضعیت نسل این قوم تا کنون پی برد.

دانلپ^۱، محقق برجسته خزر شناس، در خصوص معنای خزر معتقد است: "اگر اشتقاق پذیرفته شده یکی دو واژه رایج در زبانهای اروپایی درست باشد، نام خزر در گستره ای وسیعتر از آنچه در بادی امر می پنداریم انتشار دارد ظاهراً واژه هوسار^۲ در آغاز به سوارهای چریک هنگری^۳ (مجار) اطلاق می شده است و همانگونه که خواهیم دید پیوند میان خزرها و مجارها - بنیانگذاران دولت هنگری (مجارستان) تاریخی و قطعی است. از قرار معلوم، واژه کتزر^۴ آلمانی به مفهوم مرتد از اسم خزرهایی مشتق شده است که یهودی شده بودند. از سوی دیگر ریشه لغوی و معنای آوارگی یا خانه بدوشی است، بنابراین خزر، چادر نشین معنی می دهد و بطور موقت می توان این تعریف را پذیرفت. (دانلپ، ۱۳۸۴: ۱۷)

"کشور خزران، مردمی از تبار ترکان، موضع استراتژیکی مهمی را در مدخل حیاتی دریای سیاه و دریای مازندران اشغال کرده بود و در اینجا بود که قدرتهای بزرگ شرقی در آن زمان روبروی یکدیگر قرار داشتند. (کستلر، ۱۳۶۱: ۱۶)" «ابن ابی فضلان» عربی سفیر خلیفه «المقتدر عباسی» در سال ۹۲۱ م هنگام بازگشت از دیدارش با شاه بلغارستان از مملکت خزر عبور نموده و آن را اینگونه توصیف کرد: خزر نام مملکتی است و آتیل پایتخت آن، از دو قسمت تشکیل شده است: قسمت غرب رود ولگا و قسمت شرق آن که قسمت غربی بزرگتر از قسمت شرقی است.... پادشاه در این قسمت زندگی می کند و زبان آنها یلک نامیده می شود.... مردم مملکت خزر یهودی هستند، اما آیین شان شبیه بت پرستان است (شیرازی، ۱۳۸۳: ۷۵) مقدسی در رابطه با سرزمین خزران می گوید: "خزر خوره ایست پهناور در پست دریاچه،

1. Donlup

2. Hussar

3. Hungry

4. Ketzer



نقشه ۱ محدوده زندگی خزر ها در سال ۸۵۰ میلادی

منبع (www.Khazaria.com)

خشک و با دشواری است. گوسفند و عسل و یهودی بسیار دارد، در انتهای آن سد یاجوج و ماجوج است. با کشور روم هم مرز است (مقدسی، ۱۳۸۳: ۵۲۰) "ابن سعید مغربی (۱۲۸۶-۱۲۱۴م) آنها (خزران) را این گونه توصیف می کند: در آنچه درباره یهودیان خزر قابل ذکر است، این است که آنها در منطقه آبادی در شمال زندگی می کردند... آن ها دارای اندامی تنومند و قوی بودند. اما علیرغم بدن های ستر به همه چیز بی توجه و در یک کلمه بی مسئولیت بودند و می توان آن ها را مظهر کامل بربریت دانست (شیرازی، ۱۳۸۱: ۷۲)

در ممالک و مسالک آمده است: "اما خزر نام اقلیمی است و شهر بزرگ را تل می خوانند و اتل نام رودی است که در آن شهر از روس و بلغار روانه می باشد (استخری، ۱۳۴۰: ۲۲۸) خزرها هیچگونه قرابتی با ایرانیان نداشته و از نژاد آریایی ها و یا ساکنین اولیه ایران نبودند "اما راجع به اینکه اهالی باستانی این ایالات نامبرده (خزر) از چه قومی بوده اند پژوهش های علمی آنان را جزء ملل آریایی محسوب نمی دارد و ما نیز دلایل صریحی در دست نداریم که به کدام گروه از اقوام باید آنها را منصوب دانست (انیوسترانسف، ۱۳۴۸: ۱۱۶)

خزران در ابتدا بت پرست بودند و لیکن با گسترش اسلام در ایران از جنوب با مسلمانان و از شمال و غرب با مسیحیان همسایه شدند. "خزران در برابر پیشروی لشکریان اسلام ایستادگی نمودند و آنگاه که بسیاری از همزادان ترکشان به اسلام گرویدند، خزران به دین یهودی روی آوردند و کوشیدند تا به تعبیر

کستلر^۱ به عنوان نیروی سومی در میان اسلام و مسیحیت استقلال خود را در رویارویی با خلافت بغداد از یک سو و با امپراتوری قسطنطنیه از سوی دیگر حفظ کند (کستلر، ۱۳۶۱: ۶) همچنین در رابطه با تغییر دین خزران مسعودی اعتقاد دارد: "این امر در حدود سال ۸۰۰ میلادی و در زمان خلافت هارون الرشید صورت گرفت (دانلپ، ۱۳۸۴: ۱۲۷) در خصوص چگونگی گرویدن خزران به دین یهود روایات زیادی نیز نقل شده است که بدلیل طولانی شدن مبحث از بیان آن خودداری شده و فقط به اثبات یهودی شدن خزران بسنده می کنیم.^۲

عموماً با توجه به متون سفر نامه های مختلف سیاحان و تاریخ نگاران مسلمان ، از زمانی که خزران با مسلمانان همسایه شدند بدلیل درگیری های منطقه ای میان آنان و مسلمین و جنگهای روی داده شده سفر نامه نویسان از نام خزر بعنوان پیشوند دریا استفاده نمودند و این نام از زمان حضور مسلمانان و بعثت بحران آفرینی خزران در منطقه مرسوم شد .

ولی سرنوشت خزران چگونه رقم خورد؟ آرتور کستلر نویسنده یهودی کتاب خزران عنوان می دارد: " آنچه که از مجموع این اطلاعات جسته گریخته بدست می آید مساله مهاجرت قبائل و جوامع خزر به نواحی اروپای شرقی بخصوص روسیه و لهستان است سرزمینهایی که در سرآغاز دوران جدید بزرگترین مراکز تجمع یهودیان را در آنها می یابیم . این نکته برخی از مورخین را بر آن داشته است که بگویند بخش بزرگی ، یا شاید اکثریتی ، از یهودیان شرقی - و بنابراین اکثریت یهودیان دنیا - خزر هستند و از اصل سامی نمی باشند (کستلر، ۱۳۶۱: ۱۹) او به نقل از کتاب خزران پرفسور ا.ان. پولیاک^۳ پرفسور تاریخ قرون میانه یهود در دانشگاه تل اوویو می گوید: "برخورد جدیدی لازم خواهد بود هم نسبت به موضوع روابط میان یهود خزر و سایر جوامع یهودی ما و هم نسبت به این مساله که تا چه حد می توان یهودیان خزر را به عنوان هسته مراکز وسیع یهودی در اروپای شرقی به شمار آورده اخلاف آن یهودیان - چه آنانکه در جاهای خود باقی مانده اند و چه آنها که بر کشورهای متحد آمریکا یا سایر نقاط مهاجرت نمودند و چه آنها که به اسرائیل رفتند - هم اکنون اکثریت عظیم یهودیان جهان را تشکیل می دهند (همان، ۱۳۶۱: ۲۵) ذکر مسایل مربوط به خزران ، یهودی شدن آنها و... همه در جهت روشن شدن ماهیت نامگذاری دریای شمالی ایران و تبعات استراتژیک آن عنوان شده است.

^۱ . Kostler

^۲ . غارتگری خزران به حدی بوده که امام اول شیعیان جهان در بیانات خود به آن اشاره داشته اند. امام علی (ع) می فرماید: "ای مردم کوفه

خبر بدی به من رسیده ، که فردی از قبیله غامد با چهار هزار نفر به مردم شهر انبار شیخون زده و اموالشان را به غارت برده و نماینده من ابن

حسان و گروهی از مردم صالح را به قتل رسانده - خدا این کشتگان را در بهشتبرین جای دهد! - و رفتار او با اهل انبار شبیه به رفتار

غارتگران روم و خزر است ، و گویا آن مرد خون و مال مردم شهر را مباح ساخته است! . (طبرسی، ۱۳۸۱: ۳۸۵)

"جان بیتی^۱ در کتابش دیوار آهنی اطراف آمریکا یهودیان خزر را اینگونه توصیف می کند: یهودیان خزر ماورای دیگر یهودیان جهان هستند. آنها با آمدنشان به آمریکا باعث و بانی تمامی مشکلات و گرفتاریهایی شدند که بر سر آمریکا و آمریکایی ها آمد. او ادامه می دهد: آنها هم چنان نسبت به یهودیت و صهیونیسم تعصبی کور دارند. (شیرازی، ۱۳۸۱: ۷۲ و ۷۱).

با توجه به موارد مطروحه یهودیان خزری هم اکنون از طبقه پرنفوذ در طبقات سیاسی کشورهای غربی به شمار می روند و از لابی های محکم و ذینفوذ بشمار می آیند. کستلر اعتقاد دارد: "شواهد مذکور موید قول آندسته از مورخان معاصر، اعم از اتریشی، اسرائیلی و لهستانی است که هر کدام مستقلاً بر آن رفته اند که قسمت اعظم یهودیان معاصر نه از فلسطین بلکه از تبار قفقاز می باشند. (کستلر، ۱۳۶۱: ۲۲۷).

آنچه که محرز و مسلم است این است که با توجه به اینکه هیچ قرابتی میان ایرانیان و خزران نبوده و چندین جنگ میان مسلمانان و خزرها رخ داده و همچنین ثابت شده است که پایه نژادی ای میان خزران و آریایی ها وجود ندارد و از آنجائیکه این اقوام به واسطه اختلاط نژادی، حملات سایر اقوام و مغول و... در حوالی آسیای مرکزی و قفقاز و به غرب رانده و اکنون با توجه به عدم تطابق فرهنگی، ملی، دینی و نژادی خزران با مردم منطقه هیچ دلیلی ندارد که نام بزرگترین دریاچه جهان را که در این منطقه قرار گرفته و با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران ارتباط اساسی دارد "خزر" نامیده شود.

مازندران، نام جایگزین:

واژه مازندران از کلمه طبرستان گرفته شده از سده هفتم هجری قمری رایج شده است. "منطقه کوههای مرتفع که قسمت عمده آن از سلسله جبال البرز واقع در امتداد ساحل جنوبی دریای خزر تشکیل می شود در خاور و شمال قومس، نزد جغرافیدانان عرب بنام طبرستان معروف بود. ظاهراً از قرن، هفتم تقریباً مصادف با زمان فتنه مغول اسم طبرستان از استعمال افتاد و کلمه مازندران جای آن را گرفت و هم اکنون نیز «مازندران» بر این ایالت اطلاق می گردد^۲. ... یاقوت، اولین مورخی که اسم مازندران را ذکر کرده ۱- گوید: نمی داند اسم مازندران از چه وقت استعمال شده و با اینکه او در کتابهای قدیم اثری از این اسم نیافته ۲- استعمال آن در همه جا معمول بوده است.... (دهخدا) با این وجود "در مسالک الابصار به نقل از ظریف محمد بن احمد بن محمد بن عبدالواحد جیلی آمده است: گیلان در زمینی گود و پست واقع شده است و چهار مرز آن عبارتند از شرق سرزمین مازندران و از غرب موقان (=دشت مغان) و از جنوب عراق عجم که کوه موسوم به اشناده میانشن واقع است و از شمال دریای قلمزم یعنی دریای طبرستان (قلقشندی، ۱۳۸۰: ۹۲) صادق کیا در کتاب دریای مازندران و شاهنامه می گوید: "واژه مازندران از سه پاره تشکیل گردیده است: نخست «مز» به معنی بزرگ. دو دیگر «انیدره» نام یکی از پروردگاران آریایی ها که در دین مزدیسنا، از دیو ها^۳ شمرده شده است. (افشار، ۱۳۸۱: ۱۴۰) "سه دیگر پسوند «آن» که در

۱. Jone Bity

۲. استان گلستان که زمانی قسمتی از طبرستان بود امروزه جزء مازندران محسوب نمی شود

۳. نام این دیو در اوستا همان indra است، ولی در پهلوی به گونه «اندر» آمده است.

ساختن نام مکان، جای و محل بکار رفته است. (پیشین، ۱۳۸۱: ۱۴۰) می توان گفت که مازندران یکی از جدیدترین نامهایی است که بر روی این دریا نهاده اند و باید گفت که در مقایسه با سایر نامها از جمله کاسپین قدمتی ندارد. پس نمی توان از لحاظ پیشینه آن را با بسیاری از عناوین مقایسه نمود

دلایل رد واژه مازندران :

ولیکن به سه دلیل نام مازندران مناسب دریا نمی باشد:

۱- قدمت و تناسب تاریخی

۲- تبعیض در نامگذاری

۳- عدم رواج در عرصه بین المللی

همانطور که قبلاً نیز عنوان شد اگر بخواهیم در میان نامهای دریا تفحصی کنیم نامهایی را می یابیم که از نظر تاریخی پیشینه کهنتری دارند مانند کاسپین، گیلان، گرگان ولیکن این شرط کافی برای انتخاب نام دریا بنظر نمی رسد.

آنچه که با عنوان تبعیض در نامگذاری مطرح است وجود سه استان ساحلی این دریا یعنی گیلان، مازندران و گلستان است. از آنجائیکه نامگذاری باید بر سه اصل "۱- مکان و موقعیت ۲- پیشینه تاریخی ۳- ساختار و مفهوم (احمدی پور و دیگران، ۱۳۸۴: ۳۸) انتخاب گردد لزوماً باید در سطح ملی هر سه استان مورد توجه قرار گیرند.

مساله سوم ناشناخته بودن نام مازندران به عنوان بزرگترین دریاچه روی کره زمین در مجامع بین المللی است. نقشه ها و دایره المعارفها عاری از این نام بعنوان دریا بوده و شاید بتوان گفت برای افراد خارج از ایران ناشناخته است. " شنیده شده است که در یکی از دیدارها، آقای رئیس جمهور* نام دریای مازندران را بکار برده اند و آقای علی یف به اعتراض گفته اند ما چنین دریایی را نمی شناسیم! (ورجاوند، ۱۳۸۲: ۱۰۸)

دریای کاسپین :

"کاس ها از قدیمی ترین گروه های نژادی بودند که پیش از ورود پاره ای از آریایی ها به فلات ایران، در نقاط مختلف ایران می زیستند. آنان دو دسته بودند: کاس سی ها که در نواحی کوهستانی ساکن بودند و کاس پی ها که در کناره های رودها می زیستند. زیستگاه پاره ای از کاس ها که با نام کاس پی معروف بودند در کناره غربی دریای کاسپین (خزر) از ملتقای رودهای ارس و کورا تا جنوب غربی، جنوب و شرق دریای کاسپین نشان داده شده است. (فاخته ۱۳۸۳: ۱۹۳)

آنچه که مسلم است و از تاریخ بر می آید این است که قبل از ورود آریایی ها اقوام مذکور در محدوده ایران قدیم وجود داشته اند و می توان آنان را شماری از اجداد مردم ایران بحساب آورد. استرابو جغرافیدان نیز در نوشته های خود نام دریا را کاسپین خوانده و آورده است: " این دو کوهستان مشرف بر

* دوران تصدی حجت الاسلام و المسلمین آقای خاتمی

دودریای پونتیک و کاسپین بوده و چون دیواری است میان آن برزخ که دو دریا را از یکدیگر جدا می باشد... و بنا به گفته اراتوستن اهل محل ، کوهستان قفقاز را کاسپیوس می نامند و این اسم احتمالاً از اسم کسپی مشتق شده است (استرابو، ۱۳۷۹: ۱۱). "کاس ها اقوام مهاجری بودند که در حوضه جنوبی دریای خزر ساکن شدند . به عقیده عده ای ، این مجاورت با دریا سبب گردید که نام کاسپین را به دریای خزر منتسب نمایند(دستیاران، ۱۳۸۴: ۵۲). بر کسی پوشیده نیست که از لحاظ قدمت تاریخی واژه کاسپین قدمتی دیرینه دارد از لحاظ محدوده جغرافیایی سکونت نیز در کتاب جغرافیای اداری هخامنشیان آمده است: "این کسپنی باید همان سرزمین «کسپنر» باشد که بطلموس آنرا در مرز غربی ماد ، همجوار ارمنیه (مراد ارمنیه بزرگ است) قرار می دهد . کسپی ها در اینجا اسم خود را روی «رشته کوههای کاسپین» می گذارند . این اسم را بطلمیوس در مورد سرزمینی بکار می برد که آبریز دریاچه های وان(در ترکیه) و ارمنیه بود و امتداد آن را در روزگار خود ، مرز میان ارمنیه و ماد بشمار می آورد. حد جنوبی این مرز محل تلاقی ماد و ارمنیه و آشور بود ... در ایام قدیمتر این کسپینه بایستی دشت وسیع واقع در حوزه سفلی رودهای ارس و کورا را شامل بوده باشد، از لبه شمالی حوزه دریاچه ارومیه در جنوب گرفته تا کوهپایه های جنوبی رشته کوههای قفقاز در شمال . دلیل این مدعا آنکه استرابون در عبارت دیگر می گوید : کسپینه در شمال رود کورا تا سرزمین جنوب شرقی قفقاز، که البانیه نامیده می شود ، ادامه دارد.

حتی اگر استرابون در عبارت بالا آشکارا تصریح نمی کرد که کسپینه ، پیش از انتزاع آن توسط ارمنیه ، جزء مادبود با شواهدی که هرودوت عرضه می دارد می توانستیم پی ببریم که کسپینه واقع در دست راست رود ارس ، موطن یکی از دوگروه اقوام کاسپی ها بوده است (کوبین بی، ۱۳۷۹: ۸۶) و همچنین در جای دیگر عنوان داشته است: "می دانیم هرودوت دریای کاسپین را تنها به اسم کاسپین می خواند (همان، ۱۳۷۹: ۸۷).

کاسپین ها مردمی متمدن و خدایپرست بودند ، نوشته ها حاکی از این موضوع است: "این کاسپ ها بودند، که فرهنگی درخشان و گسترده در این ناحیه بنیان نهاده و نام خود را به دریای شمال ایران داده اند" کاسپ ها پیرو آیین مهر بودند و بایستی نخستین کسانی بوده باشند ، که اسب را در ایران پرورش داده اند.(افشار ، ۱۳۸۱: ۱۰۰) هنری فیلد^۱ در کتاب مردم شناسی ایران می گوید : "اگر نامی برای مردم بومی این کشور(ایران) لازم باشد ، صلاح در آن است ، که آن ها را کاسپیان خواند. (افشار، ۱۳۸۱: ۱۰۲)

مطالب فوق همه نشانگر قدمت، تاریخ و پیشینه کلمه کاسپین بوده و اینکه هیچ شکی باقی نمی ماند که از لحاظ تاریخی و فرهنگی و مفهومی هیچ ایرادی نمی توان برای استفاده از کلمه کاسپین وارد آورد. و آنچه که روشن است پراکنده شدن این قوم در ایران است که آنانرا جدا از ایران نمی کند .

ضمن بیان دلایل تاریخی و ارایه پیشینه کاسپین و تطابق مکانی و موقعیتی آن و همچنین بیان ساختار و مفهوم آن دلیل مهمی که می توان برای تایید کاسپین بعنوان نامی برتر عنوان نمود پذیرفته شدن آن در فرهنگ اصطلاحات بین الملل و در دایره المعارف های جغرافیایی جهان می باشد همواره در عرصه جهانی

^۱ . Henry Feild

مکاتبات ، معاهدات و تالیفات و... از واژه Caspian sea استفاده می گردد و در عرف بین الملل این واژه آشنا تر از واژگان , Khazar sea و Mazandaran sea می باشد . لذا در میان واژگان پیشنهادی برای این دریا کاسپین هم تضمین کننده منافع خارجی و هم داخلی و از همه لحاظ مناسبتر از سایر عناوین برای ایران بنظر می رسد.

اهداف نوین اسرائیل در حوزه کاسپین

اکنون ، اسرائیل با حضور در مناطق پیرامونی ایران و تاسیس پایگاههایی در کشور های منطقه ضمن پیگیری اهداف بلند مدت خود ، در جهت جاسوسی از فعالیت های منطقه و ایران برآمده است . دوستی با کشور های حوزه دریای کاسپین و مبادلات تجاری ، نظامی و دیپلماتیک از عملکرد های رژیم اسرائیل در منطقه می باشد . "اسرائیل یکی از اولین کشورهایی بود که استقلال آذربایجان را در سال ۱۹۹۱ به رسمیت شناخت (مومنی، ۱۳۸۳: ۲۴) با توجه به اینکه آذربایجان جزء حوزه ژئوپلیتیکی ایران به حساب می آید تحولات و تعاملات آن کشور بی تاثیر بر منافع ملی ایران نیست.

حضور اسرائیل در منطقه قفقاز، کاسپین و آسیای مرکزی از سه عامل اقتصادی ، سیاسی و سرزمینی ، ناشی شده است که دو عامل اول از عوامل آشکار و عامل سوم بگونه ای مخفی در حال شکل گیری است و توسعه هر یک از اهداف مذکور تهدیدی برای امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود.

نتیجه گیری :

با توجه به موقعیت حساس منطقه دریای کاسپین ، نقش منابع آن در آینده دنیا ، همچنین با در نظر گرفتن موضع گیری های جدید رژیم صهیونیستی و همچنین نقش منافع ملی ایران و واقع شدن قومیت های مختلف در سواحل دریا انتخاب عنوانی مناسب نه تنها موقعیت ایران را در منطقه ثبات می بخشد بلکه با تکیه بر گذشته تاریخی دریا می توان حق مسلم ایران از منابع دریا را تضمین کند. لذا مناسب است در تالیف کتب ، مقالات ، اسناد داخلی و خارجی و در متن اخبار و برنامه های رادیویی و تلویزیونی و همچنین گزارشات صدا و سیما بعنوان رسانه ای ملی نام خزر حذف و از واژه دریای کاسپین یا کاسپیان استفاده گردد از آن جهت که:

۱- نام کاسپین نامی بر گرفته از تاریخ و فرهنگ ایران بوده و از گذشته تا حال در همه سطوح بین المللی و منطقه ای متداول بوده است .

۲- با توجه به حاشیه نشینان دریا و اینکه اقوام متعددی در کرانه جنوبی دریای کاسپین ساکن هستند برای اینکه تبعیضی میان آنان واقع نشود و در آینده مشکلاتی در این خصوص به وجود نیاید بهتر آن است که از واژه کاسپین یا کاسپیان که نامی فراگیر تر است استفاده گردد.

۳- حضور اسرائیل در منطقه و ارتباط خزران با قوم یهود مطلبی است که نباید نادیده انگاشته شود ؛ چرا که صیونیست ها برای تثبیت خود در منطقه و جهان از کوچکترین فرصتی مسامحه نمی کنند (هلوکاست ، شعار نیل تا فرات و...)

۴- از آنجائیکه رژیم حقوقی دریای مذکور هنوز به طور کامل مشخص نشده است چه بسا انتخاب نام مناسب برای آن ، ایرانی بودن این دریا را بهتر نمایان می کند .

منابع و ماخذ:

- ۱- استخری، ابواسحاق ابراهیم، (۱۳۷۳)، ممالک و مسالک، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدا... تستری به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات بنگاه موقوفات دکتر محمد افشار
- ۲- استرابو، (۱۳۷۹)، جغرافیای استرابو (سرزمینهای زیر فرمان هخامنشیان در جغرافیای استرابو) ترجمه همایون صنعتی نژاد، چاپ اول، تهران: انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمد افشار
- ۳- احمدی پور و دیگران، زهرا، (۱۳۸۴)، پهنه آبی شمال ایران: خزر یا کاسپین، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال اول شماره اول
- ۴- افشار (سیستانی)، ایرج، (۱۳۸۱)، دریای مازندران (پژوهش در جغرافیای طبیعی، نام و پیشینه تاریخی، رژیم حقوقی، محیط زیست و اقتصاد)، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- ۵- انیوسترانترسلف، کنستانتین، (۱۳۴۸)، مطالعاتی درباره ساسانیان، ترجمه دکتر کاظم کاظم زاده، تهران: بنیاد ترجمه و نشر کتاب
- ۶- دانلپ، دی ام، (۱۳۸۲)، تاریخ خزران از پیدایش تا انقراض، ترجمه محسن خادم، تهران: انتشارات ققنوس
- ۷- دستیاریان، رضا، (۱۳۸۴)، تاریخ گیلان باستان، رشت: انتشارات فرهنگ ایلیا
- ۸- شیرازی، مهدی، (۱۳۸۳)، واینک اسرائیل، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی پیوند با امام (ره)
- ۹- طبرسی، احمد بن علی، (۱۳۸۱)، متن و ترجمه کتاب شریف احتجاج، ترجمه بهزاد جعفری، جلد اول، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه
- ۱۰- فاخته، قربان، (۱۳۸۴)، کرنولوژی تاریخ گیلان، چاپ اول، رشت: انتشارات فرهنگ ایلیا
- ۱۱- قلقشندی، احمد بن علی، (۱۳۸۰)، جغرافیای تاریخی ایران (در قرن نهم هجری)، ترجمه محجوب الزویری، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- ۱۲- کستلر، آرتور، (۱۳۶۱)، خزران، ترجمه محمد علی موحد، چاپ اول تهران: انتشارات خوارزمی
- ۱۳- کوین بی، آرتور، (۱۳۷۹)، جغرافیای اداری هخامنشیان، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران: انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمد افشار
- ۱۴- مقدسی، ابو محمد بن احمد، (۱۳۸۳)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم / دکتر علینقی منزوی تهران: انتشارات شرکت مولفان و مترجمان ایران
- ۱۵- مومنی، میرقاسم، (۱۳۸۴)، کتاب خاورمیانه (۲) ویژه حضور اسرائیل در مناطق هم جوار ایران، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر
- ۱۶- ورجاوند، پرویز، (۱۳۸۲)، دریای مازندران یا خزر، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۸۲- ۱۸۳ فروردین و اردیبهشت ۸۲
- ۱۷- لوح فشرده لغت نامه دهخدا روایت ۲

سوابق پژوهشی نگارنده:

- * پذیرش مقاله تحت عنوان : نگاهی شیعی به مساله ایران و تروریسم در اولین همایش بین المللی جهان اسلام قربانی تروریسم - تهران اردیبهشت ۱۳۸۶
- * پذیرش مقاله (سخنرانی) تحت عنوان : نقش تروریسم در جنگ روانی علیه جمهوری اسلامی ایران در همایش کشوری بررسی ابعاد جنگ روانی علیه دولت نهم- گچساران- تیر ۱۳۸۶
- * پذیرش مقاله به صورت پوستر تحت عنوان: تروریسم شیمیایی - تهدید ها و راه کار ها در سمینار بین المللی بررسی پیامد های کاربرد سلاح های شیمیایی علیه ایران-تهران مهر ۱۳۸۶
- * پذیرش مقاله به صورت پوستر تحت عنوان: تروریسم جهانی و ابعاد جدید آن (مطالعه موردی : تروریسم شیمیایی) در سمینار بین المللی بررسی پیامد های کاربرد سلاح های شیمیایی علیه ایران- تهران مهر ۱۳۸۶
- * پذیرش مقاله تحت عنوان : نقش تروریسم در آسیب شناسی اتحاد و انسجام اسلامی در دومین هم اندیشی بین المللی علمای شیعه و سنی - تهران مهر ۱۳۸۶
- * پذیرش مقاله جهت چاپ تحت عنوان: تروریسم شمال غرب ایران (مبارزه علیه تروریسم با تاکید بر مساله مرز و اهمیت مشارکت مردمی) در فصلنامه علمی -پژوهشی مطالعات بسیج ۱۳۸۶
- * پذیرش مقاله (سخنرانی) تحت عنوان: ژئوتروریسم و محور های ژئوپلتیکی استعمار فرا نو در همایش استعمار فرا نو ، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم اسفند ۱۳۸۶

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.